■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
بزرگ‌ترین مبارزه این است که آدمی با نفس سرکش خود پیکار کند.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۲ ■غروب آفتاب: ۱۹:۱۴
■اذان مغرب: ۱۹:۳۵ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰
■اذان صبح فردا: ۳:۰۶ ■طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۰

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

مهار تورم و رشد تولید

■چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ ■سال سی‌ویکم ■شماره ۸۷۸۷

■پذیرش آگهی: ■تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه‌نشرگستر امروز نوین ■تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■چاپ: همشهری ■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شهرام فرهنگی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر سیاسی: علی ترابی
■دبیر شهری: سیمین برادران
■دبیر اقتصادی: سروش خسروی

■دبیر فرهنگی: امیر خداداد
■دبیر حوادث: جواد عزیزی
■دبیر بین‌الملل: حسین سعیدی
■دبیر جامعه: عیسی محمدی
■دبیر زیست بوم: محمد باریکانی
■دبیر ایرانشهر: سیده‌زهرا عباسی
■دبیر دانش و فناوری: محمد کرباسی
■دبیر ورزشی: امیر محمد یعقوب پور
■دبیر همشهری جمعه: پروانه بهرام نژاد
■دبیر صفحه آخر: مسعود میر
■دبیر عکس: فرشاد عباسی

صفحه آخر

ای آفتاب آینه‌دار جمال تو
مشک سیاه مجمره گردان خال تو
حافظ

تولد خورشید

هنوز داغ شهادت امام صادق(ع) از قلب مالامال از اندوه فرزندش امام کاظم(ع) رخت برنبسته و لباس عزا بر تن شیعیان ایشان دیده می‌شود. مدینه نیز در غم از دست دادن رهبر و امامی چون صادق آل محمد، از آسمان خجل است و خورشید وماه و ستارگان نیز حال طلوع ندارند. از ۲۵شوال تا ۱۱ذی‌القعده، لبخندی بر لبان هیچ‌یک دیده نشده است تا روز ۱۱ ذی‌القعده که خورشید، طلوع متفاوتی داشت و مدینه و اهلش را با پرتوافشانی خویش، از تولد کودکی در خانه امام کاظم(ع) باخبر کرد. تولد این کودک که او را علی نام نهادند، مرهمی بر قلب داغدیده هستی بود.

ولادت امام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام چند روز بعد از شهادت امام صادق(ع) اتفاق افتاد و این در حالی بود که آن حضرت آرزو داشت فرزند امام کاظم(ع) را ببیند. از امام کاظم(ع) روایت شده است که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد بارها شنیدم که می‌فرمود: «عالم آل محمد» از تو به‌وجود می‌آید و کاش من او را درک می‌کردم. او همنام جدم امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است.

تولد امام رضا علیه‌السلام را برخی از معصومان پیش از وی، پیشگویی کرده و به آن بشارت داده بودند. از امام صادق(ع) در این‌باره احادیث چندی وارد شده است. از جمله عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرد: مردی از اهالی طوس در محضر امام جعفرصادق(ع) نشسته بود و آن حضرت به وی فرمود: به‌زودی از فرزندم موسی، مردی به دنیا می‌آید که مورد خشنودی خداوند سبحان در آسمان و خرسندی بندگانش در زمین خواهد بود. در سرزمین شما از روی ستم و دشمنی مسموم و کشته می‌گردد و در همان جا غریبانه به خاک سپرده می‌شود. آگاه باش! هر کسی وی را در غربتش زیارت کند و بداند که او امام و پیشوای شیعیان پس از پدرش بوده و از جانب خداوند متعال مفترض الطاعه است، همانند کسی است که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله را زیارت کرده باشد.

امام رضا علیه‌السلام در ۳۵سالگی پس از شهادت پدرش امام موسی کاظم علیه‌السلام به مقام امامت شیعیان نایل آمد و در ۵۵سالگی در خلافت مأمون عباسی و با توطئه وی در خراسان مسموم و در صفر سال ۲۰۳ قمری به شهادت رسید.

ستایش یونسکو از شکوه تاریخی و معنوی حرم امام رضا(ع)

آستان‌قدس، الگوی بی‌مانند جهان اسلام

نقش امام رضا(ع) در هدایت مردم در طول حیاتش و جایگاه او به‌عنوان یک شخصیت مذهبی، حرم مقدس او را به یکی از مراکز توجه مسلمانان و به‌خصوص شیعیان تبدیل کرده است. این مجموعه روحانی، در طول تاریخ باعث تحولات معماری شده و چنان مورد احترام مومنان شیعه و دولت‌های متفاوت، چه شیعه و سنی بوده که به‌صورت همیشگی و در دوره‌های متفاوت تاریخی، از بازسازی، حفاظت و توسعه بهره برده است. زائران زیادی سالانه به این مجموعه می‌روند و آن را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مکان مذهبی ایرانیان و سایر مسلمانان در سراسر دنیا می‌دانند. این مجموعه تاریخی معماری، آیین‌ها و رسوم منحصر به فرد و متمایزکننده‌ای دارد که آن را به میراث جدایی‌ناپذیر حرم تبدیل می‌کند. در واقع ارزش واقعی میراث آن، نه فقط به‌خاطر معماری مسحورکننده و سیستم سازه‌ای آن، که به‌خاطر تمام رسوم آن هم است. همه اینها در کنار هم، روح معنوی حرم امام رضا(ع) را تشکیل می‌دهند. کارکرد، ساختار، عناصر تزئینی و نماهای ساختمان‌ها، همه در کنار هم نمادی از ایدئولوژی، توحید دینی و تکامل خود مجموعه است. این حرم مطهر نه فقط یک حرم، که در مقیاسی کلان‌تر، یک نهاد و یک هویت شکل گرفته و توسعه‌یافته براساس باورها و ایدئولوژی مذهبی است. این مجموعه مقدس از ده‌ها میراث باارزش معماری در اطراف حرم شکل گرفته؛ سازه‌هایی که هر کدام به تنهایی ارزش و اهمیت سیاسی و اجتماعی زیادی دارند.

شکل‌گیری مشهد به‌عنوان یک شهر و توسعه آن، وامدار حرم مطهر است. بدین‌ترتیب این مجموعه به مرکز مذهبی، سیاسی، اجتماعی و همینطور هنری مشهد تبدیل می‌شود و عمیقا بر وضعیت اقتصادی شهر اثر می‌گذارد. نخستین سازه این مجموعه، حرم و گنبد آن است. این میراث معماری، به‌خاطر طول عمر زیاد آن و ظرایف معماری مثل کاشیکاری‌ها و آینه‌کاری‌ها، گنبد طلاکاری، حجاری‌ها و حجم و نقوش دیگر، دارای ارزش‌های والای ملموس و ناملموس است. مشهد مثالی بی‌نظیر است که حول محور فرهنگ شیعه و زیارت شکل گرفته است. ارتباط شهر و حرم مطهر در دوره‌های مختلف تاریخی به تجربه‌ای منحصر بفرد در برنامه‌ریزی شهری در این منطقه تبدیل شده؛ موضوعی که بعدها به دیگر شهرهای مذهبی، به‌خصوص برای شیعیان، منتقل شده است. این انتقال تا حدی بوده که دیگر شهرهای شیعه‌نشین از نظام نشانه‌شناختی مشهد و این مجموعه تاریخی الهام گرفته‌اند.

برگرفته از گزارش یونسکو درباره حرم مطهر رضوی

حال خوب

همه زائران او

مریم ساحلی

می‌گفت، هر بار نگاهم رفته سمت آسمان و کلمات از دهانم پر کشیده‌اند، پرنده‌ای را دیده‌ام که همان وقت پر می‌زند میان ابرها.

می‌گفت، آن حرف‌ها که حوالی نگاه رو به آسمان چرخ می‌خورند، غریب هستند میان همه کلماتی که هر روز یا هرشب جاری می‌شوند بین آدم‌ها.

می‌گفت، آدم‌هایی که سرشان می‌رود سمت آسمان و حرف می‌زنند، دوروبرشان هر قدر هم که شلوغ باشد، کسی را نمی‌بینند. همین است که تنهایی، قبای تن‌شان می‌شود و حکایت غصه‌هاشان می‌رود سمت ابرها. و آن پرنده‌هایی که پر می‌زنند میان اندوه آدم‌ها، انگار آرزوها و افسوس‌ها را به بال می‌کشند و حرف‌ها را با خود می‌برند.

می‌گفت: هزار بار از خود پرسیده‌ام آن پرنده‌ها که میان غربت کلمات آدم‌ها پر می‌زنند، به کجا می‌روند؟

می‌گفت: هر هزار بار به‌خودم گفته‌ام لابد می‌روند سمت او که قصه مهرش سال‌هاست سینه به سینه روایت می‌شود میان آهوان.

می‌گفت: تو خیال کن که فقط خیال است اما پرنده‌هایی که دور و بر ساعت‌های غریب من پر می‌زنند، می‌روند تا گلدسته‌های خورشید، تا آینه‌بندان دیوارها و روشنای چلچراغ‌های حرم او. تو بگو من فرسنگ‌ها دور مانده‌ام از آن نسیم عطرآگین که خوشامدگوی هزاران هزار زائر است. تو بگو باید بطلبد تا بروی، تا برسی، تا بگویی «سلام آقا.» تو بگو، اما من نگاهم را روانه ابرها می‌کنم و کلماتم زائر می‌شوند.

تلاش خوب

فتح اورست بدون پا

مهتاب خسروشاهی

آدم‌ها گاهی چیزی را جایی جا می‌گذارند تا جای دیگر شگفتی بیافرینند؛ درست مثل کهنه سرباز نپالی که دو پای خود را در جنگ افغانستان جا می‌گذارد تا ۱۳ سال بعد، جهان را شگفت‌زده کند.

«هاری بودا ماگار»، کهنه سربازی نپالی است که در عملیات جنگی بریتانیا در افغانستان، هر دو پای خود را از دست می‌دهد. او که اکنون در کانتربری زندگی می‌کند، جمعه گذشته، بیستم می ۲۰۲۳ میلادی توانست به‌عنوان نخستین فرد قطع عضو هر دو پا از بالای زانو، بلندترین قله جهان یعنی اورست را فتح کند.

ماگار درحالی روز جمعه، ساعت ۳بعدازظهر به قله رسید که صعود خود را از ۱۷آوریل آغاز کرده بود و توانست با دو پای مصنوعی، ۱۳ سال پس از از دست دادن هر دو پایش، روی بلندترین نقطه جهان ایستاده و به جهان لبخند بزند. این فتح شاید خیلی عجیب نباشد، برای کسی که از گروه غورک‌هاست (گورها یا غورک‌ها اصطلاحی تاریخی برای جنگجویان نپالی است که طبق کنوانسیون ژنو، مزدور محسوب نمی‌شود). اراده او مثال‌زدنی است؛ چراکه ۱۳ سال پیش پس از قطع هر دو پا، ماگار درگیر افسردگی شدید و اعتیاد به الکل شد. او دراین باره می‌گوید: «من تا سن ۱۹ سالگی در کشور نپال زندگی می‌کردم و می‌دیدم که در آن روستاهای دورافتاده چطور با افراد معلول برخورد می‌شود. بسیاری از مردم نپال تصور می‌کنند ناتوانی ناشی از گناه قبلی تو است و تو سرباز زمین هستی! من نیز این را باور کرده بودم چون در آن فرهنگ بزرگ شدم.» او حتی چندبار دست به‌خودکشی می‌زند تا در نهایت تصمیم می‌گیرد تا اورست را فتح کند. ماگار درنهایت می‌تواند برفراز قله‌ای بایستد که پرندگان به سختی می‌توانند به آن نقطه صعود کنند. نکته اینجاست که براساس قوانین دولت نپال، صعود افراد غیرحرفه‌ای و معلول به کوه ممنوع است؛ چراکه هر ساله عده‌ای از این افراد حین صعود جان خود را از دست می‌دهند. اما ماگار توانست با غلبه بر موانع این کار را انجام دهد. البته گروهی از افراد مجرب او را در این صعود یاری کردند. بودا ماگار درباره سرمای قله می‌گوید: «تمام ژاکت‌هایم یخ زده بودند. آب گرم درون قمقمه یخ زده بود و حتی نمی‌توانستیم آب بنوشیم.»

هاری بودا ماگار برای صعود از پروتزهای متعدد پا استفاده کرد که از آن جمله می‌توان به پروتزهای مجهز به میخ‌های یخ و بعضی از انواع چکمه‌های کوهنوردی اشاره کرد.

پس از این صعود او می‌خواهد به همان نقطه‌ای از افغانستان که پاهایش را آنجا جاگذاشته، برگردد و از آن، «تشکر» کند. چراکه اگر این حادثه اتفاق نمی‌افتاد، او هرگز به اورست صعود نمی‌کرد.

بوک مارک

شنبه گلوریا

ماریو بندتی

فکر کردم یکشنبه است و می‌توانم قدری بیشتر زیر پتو بمانم. همیشه روزهای تعطیل مثل بچه‌ها ذوق می‌کنم، چون وقتم مال خودم است و می‌توانم هر کاری دلم بخواهد بکنم و مجبور نیستم، مثل ۴روز از ۶روز هفته، فاصله ۲بلوک را بدوم تا بموقع به اداره برسم و ساعت بزنم. ذوق می‌کنم که می‌توانم به میل خودم بنشینم و به مسائل مهمی مثل زندگی، مرگ، فوتبال و جنگ فکر کنم.

دیالوگ

من دیه‌گو مارادونا هستم

بهرام توکلی

آخه مگه می‌شه یه‌نفر بدونه نباید یه‌حرفی‌رو یه‌موقع بزنه بعد، دقیقا اون حرف‌رو برداره بیاره همون موقع که نباید بزنه، بزنه؟!

آخر مصور
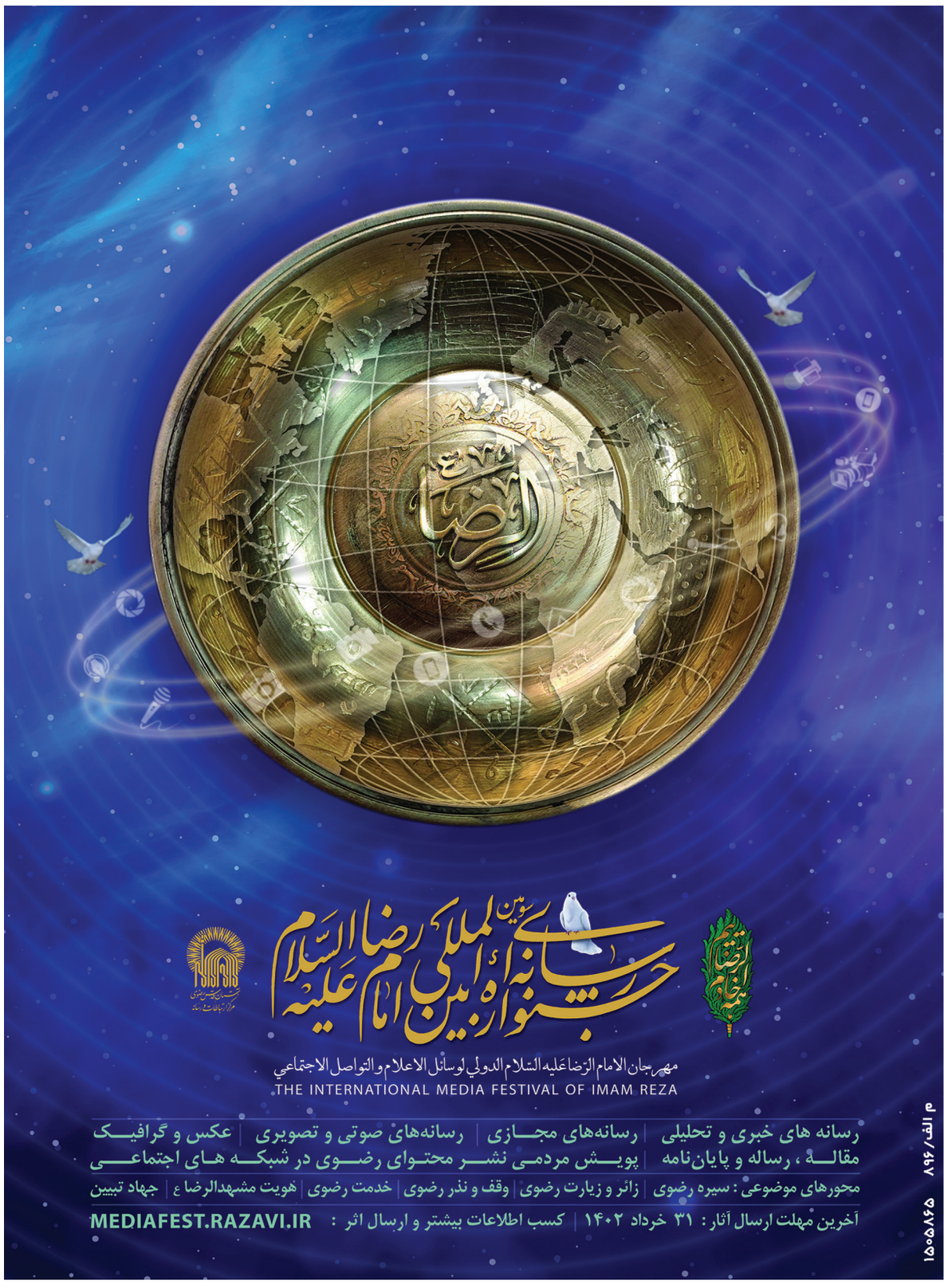
اثر: لوکیسی هریادی/اندونزی